

## سیاستگذاری اجتماعی

### جایگاه سیاستگذاری اجتماعی در برنامه‌ریزی اقتصادی چگونه است؟

آن توسط آنان که مصرف‌نارند به صاحبان خودروگزینه بهتری در حمایت از کم‌درآمدها باشد.

اساساً چرا اینقدر بر پرداخت نقدی یارانه‌ها تأکید می‌شود! شاید به‌طور عام نتوان به پرداخت نقدی یارانه‌ها ایراد جدی گرفت. البته این ایراد نگرفتن معطوف به شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی است. اقتصاد نابرابری ساز و غیرتوسعه‌ای که امکان توزیع مناسب‌تر درآمدها از طریق سازوکارهای اقتصادی و مالی بسته شده است. اقتصادی با زارمحور و در پیوند با فساد سیاسی و اقتصادی و آموزه‌های نئولیبرالیستی حاکم. جدای از نقد بر رویکرد حاکم اقتصادی، پرداخت نقدی نشانه ناخوشی جامعه نیز است، وقتی سیاستگذاری اجتماعی دچار امتناع می‌شود و جای حاشیه و متن عوض می‌شود و بنا به قول «کارل پولانی» به جای حکم‌شدگی اقتصاد بر بستر جامعه رویکرد غالب آن است که حوزه اجتماعی بر پهنه اقتصادی حکم شود.

بدین واسطه در برنامه‌ها و سیاستگذاری‌های دولت، سیاستگذاری اجتماعی کمتر معنا می‌یابد و این معنایابی نیز مقید به توجیه اقتصادی است. در خلأ و بی‌عملی در عرصه سیاستگذاری اجتماعی پرداخت نقدی ساده‌ترین راهی است که می‌تواند به تسکین وجدان



سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کمک‌کند و مسکنی ضعیف هم برای جامعه مخاطب به شمار می‌رود. به عبارت دیگر تأکید بر اینگونه پرداخت‌ها نشان شکست در سیاستگذاری اجتماعی است. در نهایت اینکه توجه به سه مورد گفته شده، لازم است تأکید مکرر شود که بازارگرایی در پیوند با فساد هرروزه جامعه آسیبی سخت می‌رساند که جبران آن به سختی صورت خواهد گرفت.

عرصه سیاستگذاری بیشتر نیاز به رویکردی اجتماع‌محور دارد تا اقتصادمحور. این به معنای نفی اهمیت عوامل اقتصادی نیست، بلکه به معنای بازگرداندن آن به نقش اصلی خود که باید در خدمت جامعه باشد، نه اینکه جامعه در خدمت اقتصاد، تأکید بر پرداخت نقدی در عمق خود، به خدمت گرفتن جامعه برای اقتصاد است، آن هم نه اقتصادی سالم و مبتنی بر شفافیت عملکرد و کار و خلاقیت، بلکه مبتنی بر رانت و فساد.

فرشید یزدانی

کارشناس حوزه سیاستگذاری اجتماعی

### معنای سیاستگذاری اجتماعی چیست؟ قواعد و ملزومات آن چیست؟

پس از قریب به هشت سال پرداخت نقدی یارانه‌ها، البته بدون هدفمندی مجدد دولت در تصمیمی اعلام کرد که به حدود ۷۵ درصد جمعیت (۶۰ میلیون نفر) یارانه نقدی پرداخت می‌کند. نکته مهم و البته مرتبط در این میان قیمت حامل‌های انرژی و به‌خصوص بنزین است در این میان چند نکته حائز توجه است.

مواجهه دولتمردان با مسأله قیمت حامل‌های انرژی مانند بسیاری مسائل دیگر، از قبیل مسائل زیست محیطی، به صورت مشخصی با عقلانیت متعارف فاصله دارد. تردیدی وجود ندارد که قیمت انرژی در کشور ما پایین است و مناسب‌تر است با بقیه قیمت‌ها متعادل شود. موضوع بر سر چگونگی نگاه به مسأله است. در دولت اصلاحات مصوبه‌ای داده شد مبنی بر اینکه قیمت سوخت هر سال ۱۰ درصد افزایش یابد تا به قیمت فوب خلیج فارس برسد. مصوبه‌ای منطقی و غیرتنش‌زا و غیرشوکه‌آور. این مصوبه در دولت بعدی رعایت نشد و چندین سال به بهانه عدالت گستری، که البته معلوم نبود نسبت آن با عدالت چه بود، مسکوت ماند تا اینکه کشور به مرز بحران مصرف رسید و دولت با مسأله نقدینگی مواجه شد. بحث یارانه‌ها و هدفمندی آن مطرح شد و قیمت به یک‌باره افزایش پیدا کرد.

در سال ۸۴ از ۱۰۰ تومان به ۴۰۰ تومان و بعد در سال ۸۹ به ۷۰۰ تومان و در سال ۹۳ به ۱۰۰۰ تومان افزایش پیدا کرد. بعد از آن مجدداً دولت بدون توجیه منطقی قیمت را در ۱۰۰۰ تومان نگه داشت. گرچه اگر متناسب با نرخ تورم با افزایش دستمزد و با هر شاخص متعادل دیگری می‌توانست افزایش یابد اما چنین نشد و عقلانیت متعارف و البته تا حدودی کارشناسی نادیده گرفته شد تا امسال که چون دولت با بحران مالی روبه‌رو شد یاد قیمت انرژی افتاد. موضوع بحث قیمت نیست در اینجا که نوع مواجهه با مسأله‌ای ساده است. مواجهه‌ای که در قالب رویکردهای شوک درمانی که آمیزه‌ای از رویکردهای اقتصادی نئولیبرالیستی و اقتدارگرایی قابل تحلیل است.

با روش کنونی یعنی تخصیص ۶۰ لیتر بنزین به صاحبان خودرو و پرداخت ۵۰ هزار تومان به هر نفر که شامل بخشی از صاحبان خودرو و بخشی غیرصاحب خودرو می‌شود. به هر صاحب خودرو با توجه به تفاوت قیمت بنزین آزاد و سهمیه‌ای رقمی معادل ۹۰ هزار تومان در ماه تعلق می‌گیرد. در حالی که فرد فاقد خودرو از این ۹۰ هزار تومان بهره‌ای ندارد و همان رقم ۵۰ تا ۵۵ هزار تومان به او تعلق می‌گیرد. این یعنی توزیع منابع به نفع پرداخت‌آمدها است. (گرچه بسیاری از صاحبان خودرو چون از آن به عنوان ابزار کار استفاده می‌کنند خود نیز جزو اقشار کم‌درآمد هستند) به عبارتی ساز و کار اندیشیده شده مغایر با اصل اعلام شده، یعنی کمک هزینه به اقشار کم‌درآمد عمل می‌کند.

چنانچه قرار باشد توزیع به نفع کم‌درآمدها باشد به نظر می‌رسد که تخصیص سهمیه بنزین به هر نفر ایرانی و امکان فروش و واگذاری